



نگاهی به نتایج سفر ترامپ به چین در سایه جنگ با ایران

بازگشت از پکن با چمدان خالی

سرمقاله



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با ورود به جنگ چهل روزه و تجاوز علیه ایران، بزرگترین اشتباه راهبردی خود را مرتکب شد که تاکنون نتوانسته راهی برای خروج از آن پیدا کند. در همین راستا، ترامپ به چین سفر کرد و قرار بود این سفر نقطه‌ای برای خروج تدریجی آمریکا از بحران باشد که ترامپ خود را در آن گرفتار کرده است. ترامپ امیدوار بود با دست داشتن «پرونده پیروزی بر ایران»، امتیازهای بزرگی از پکن بگیرد، اما مقاومت و تاب‌آوری بالای تهران این فرصت را از او گرفت. به همین دلیل، در عمل رئیس جمهور آمریکا بدون آنکه حتی یک دستاورد ملموس درباره ایران به دست آورد، به واشنگتن بازگشت. پشت تصاویر لبخندها، قدم‌زدن در باغ‌های تاریخی پکن و تعریف و تمجیدهای دیپلماتیک، واقعیت سخت‌تری پنهان بود: چین حاضر نشد در حساس‌ترین پرونده فعلی آمریکا، یعنی ایران، در کنار ترامپ قرار گیرد. ترامپ با چند هدف مشخص راهی چین شده بود. نخست، او می‌خواست پکن را متقاعد کند که برای باز شدن تنگه هرمز و کاهش فشار انرژی بر اقتصاد جهانی، بر تهران فشار وارد کند. دوم، کاخ سفید امیدوار بود چین بتواند ایران را به عقب‌نشینی از شروط خود در مذاکرات وادار کند؛ به‌ویژه در موضوعات هسته‌ای و امنیت منطقه‌ای. سوم، واشنگتن تلاش داشت حمایت‌های پنهان یا نیمه‌پنهان چین از توان صنعتی، موشکی و اقتصادی ایران محدود شود. اما نتیجه سفر نشان داد چین نه تنها حاضر به معامله بر سر ایران نیست، بلکه اساساً وارد شدن آمریکا در یک جنگ فرسایشی را بخشی از فرسایش قدرت رقیب خود می‌بیند. واقعیت این است که جنگ چهل روزه، برخلاف محاسبات اولیه ترامپ، به یک پیروزی برای آمریکا تبدیل نشد. دولت ترامپ تصور می‌کرد حمله نظامی، تحریم و تهدیدهای بی‌سابقه می‌تواند تهران را ظرف مدت کوتاهی وادار به عقب‌نشینی کند. اما اکنون واشنگتن در شرایطی قرار گرفته که نه توانسته اهداف اصلی خود را محقق کند و نه راه خروج کم‌هزینه‌ای از بحران پیدا کرده است. ادامه محدودیت در تنگه هرمز، افزایش بهای انرژی، فشار تورمی در آمریکا و افت محبوبیت ترامپ، همگی نشانه‌هایی هستند که کاخ سفید را به شدت نگران کرده‌اند. در چنین شرایطی، ترامپ تصور می‌کرد چین شاید برای حفظ ثبات اقتصاد جهانی حاضر شود در قبال ایران با آمریکا همکاری کند. اما پکن نگاه متفاوتی دارد. برای چین، ایران فقط یک شریک انرژی نیست، بلکه متحدی راهبردی و بخشی از موازنه بزرگ‌تر در برابر آمریکا است. رهبران چین به خوبی می‌دانند هرچه آمریکا بیشتر در غرب آسیا فرسوده شود، تمرکز و توان کمتری برای مهار چین در شرق آسیا خواهد داشت. به همین دلیل، پکن انگیزه‌ای ندارد که در مقطع کنونی به ترامپ یک پیروزی ژئوپلیتیک هدیه بدهد. رفتار چین در جریان سفر نیز همین واقعیت را آشکار کرد. ترامپ پس از دیدار با شی جین‌پینگ فقط توانست به جملاتی کلی اشاره کند؛ اینکه چین خواهان باز بودن تنگه هرمز است یا با هسته‌ای شدن ایران موافق نیست؛ موضعی که پکن پیش‌تر هم بارها بیان کرده بود. اما هیچ نشانه‌ای از تعهد عملی چین برای فشار بر تهران دیده نشد. حتی در بیانیه‌های رسمی چین، موضوع ایران با ادبیاتی بسیار محتاطانه مطرح شد و پکن عملاً از ورود مستقیم به خواسته‌های واشنگتن اجتناب کرد. این مسئله برای ترامپ یک شکست سیاسی محسوب می‌شود؛ زیرا او در داخل آمریکا به شدت به یک موفقیت نیاز دارد. افزایش قیمت سوخت، نگرانی بازارها و فشار جمهوری خواهان درباره انتخابات میان‌دوره‌ای، باعث شده کاخ سفید به دنبال هرگونه دستاورد خارجی باشد تا نشان دهد هنوز کنترل اوضاع را در دست دارد. اما بازگشت ترامپ از چین، بدون توافق مشخص درباره ایران، نشان داد بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی آسیا نیز حاضر نیست هزینه نجات دولت آمریکا از بحران کنونی را بپردازد. در واقع، چین در این سفر بیشتر بر منافع بلندمدت خود تمرکز داشت. پکن به دنبال کاهش تنش تجاری، جلوگیری از تشدید جنگ تعرفه‌ها و کسب امتیاز در پرونده تایوان بود. حتی برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد چین تلاش کرده از نیاز ترامپ به همکاری، برای گرفتن امتیازاتی در موضوع تایوان و محدودسازی فروش سلاح آمریکا به این جزیره استفاده کند. این یعنی در نگاه پکن، ایران صرفاً یک پرونده منطقه‌ای نیست، بلکه بخشی از یک معادله بزرگ‌تر در رقابت راهبردی چین و آمریکا است. از سوی دیگر، ایران نیز در این معادله موقعیت متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده است. تهران نشان داده حاضر نیست تحت فشار جنگ و تهدید، شروط خود را کنار بگذارد. همین مسئله باعث شده آمریکا نتواند مانند بسیاری از بحران‌های گذشته، صرفاً با ابزار نظامی یا فشار اقتصادی به نتیجه مطلوب برسد. اکنون واشنگتن با وضعیتی روبه‌روست که هر گزینه‌ای برایش هزینه‌زاست؛ ادامه جنگ، فشار اقتصادی بیشتری به آمریکا وارد می‌کند و عقب‌نشینی نیز به معنای پذیرش شکست خواهد بود. به همین دلیل، سفر ترامپ به چین بیش از آنکه نمایش قدرت باشد، نشانه‌ای از بن‌بست راهبردی آمریکا در پرونده ایران بود. رئیس جمهور آمریکا امیدوار بود پکن راهی برای باز کردن قفل بحران پیدا کند، اما چین ترجیح داد در جایگاه ناظر باقی بماند و از فرسایش رقیب خود بهره‌برد. در پایان سفر، نه تنگه هرمز باز شد، نه مذاکرات پیشرفتی کرد و نه ایران از مواضع خود عقب نشست. اکنون ترامپ به واشنگتن بازگشته، در حالی که همان بحران‌ها همچنان پابرجاست؛ با این تفاوت که این بار روشن‌تر از همیشه مشخص شده آمریکا حتی برای حل بحرانی که خود آغاز کرده، به حمایت قدرت‌هایی نیاز دارد که جزو رقبای اصلی این کشور به شمار می‌روند. ■

وقتی به نبودن کسی که دوستش داری فکر نکرده باشی، تصویری هم از رنج نبودنش نداری. این که ممکن است روزی بیاید که او نباشد. روزی بیاید که واقعاً دیگر او نباشد. آن روز آمد. آن روز، آن رنج ناتمام به شدت بر همه‌ی تار و پود



وجودم هجوم آورد. حیران ماندم. متلاشی شدم. زورم به رنج ناخوانده نمی‌رسید. آن قدر شدید بود که تکه تکه شدم. قطعات خرد شده‌ام روی دستم مانده‌اند! قطعاتی که این قدر از هم گسسته‌اند که حالا حالاها بندزدنی نیستند.

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

روایت

یک عادت غیرلوکس معمولی

یک عادت معمول! کتاب‌خوانی باید در میان خانواده‌های ایرانی تبدیل به یک رویه و ویژگی معمول شود. این، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های رهبر شهید در نسبت با مسئله کتاب و کتاب‌خوانی است. این بیان، در درون خودش حاوی دوزیرمسئله مهم دیگر است. نخست آنکه کتاب‌خوانی یک کالا یا عادت لوکس نیست. امری نیست که در گوشه‌ی طاقچه‌ی منزل نهاده شده و کارکردی نمایشی و ویترینی داشته باشد. کتاب‌خوانی، اگر به این وضعیت دچار شد، حتماً از کارکرد اصلی‌اش دور شده است. دوم دیگر آنکه کتاب‌خوانی باید در متن و جریان عادی زندگی، جریان داشته باشد. بخشی از برنامه عادی، روزانه و طبیعی افراد شود. به حدی باید در طبیعت زندگی انسانی جاری و ساری باشد که نبود و فقدانش مایه‌ی اختلال شود. آن قدر در تار و پود زندگی روزانه تنیده شده باشد که تعطیلی و اعوجاج در آن، مایه‌ی اختلال زندگی روزانه و اعوجاجش شود. این‌گونه اگر شد، کتاب دیگر نه یک کالا برای گوشه‌ی کتابخانه و طاقچه، بلکه کالایی ضروری برای زیست روزانه و شهروندی است. این‌گونه اگر شد، فرهنگ عمومی در تنیده شدن با کتاب، خود را روزبه‌روز باورتر و سنگین‌تر می‌یابد. این‌گونه اگر شد، فرهنگ می‌تواند بن‌مایه‌ی تشکیل و انعقاد نطفه‌ی تمدن شود.

قاب

«هندسه نبرد» به روایت رهبر شهید

کتاب «هندسه‌ی نبرد، شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن» تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی روز ۲۵ اردیبهشت‌ماه در تجمع مردمی میدان انقلاب تهران رونمایی شد. این اثر مجموعه‌ای از بیانات رهبر شهید انقلاب درباره‌ی ماهیت دشمنی استکبار، شیوه‌های جنگ تبلیغاتی و فرهنگی دشمن و راهبردهای مقابله با آن است.



اعتراف

پژواک شکست در واشنگتن

اعتراض‌ها به جنگ بی‌ثمر و شکست‌خورده ترامپ در برابر ایران، روزبه‌روز در داخل آمریکا بیشتر می‌شود. تمی داکورث، سناتور دموکرات آمریکا، در واکنش به بن‌بست این کشور در برابر ایران اعلام کرد: «ترامپ، تنها در عرض ۲ ماه، اهداف نهایی متعددی را ارائه داده است؛ او از «تسلیم بی‌قید و شرط» و «تغییر حکومت» در ایران سخن گفته که هیچ‌کدام اتفاق نیفتاده است. او گفته که هدفش نابودی کامل نیروهای نظامی و زیرساخت‌های ایران است، در حالی که جامعه اطلاعاتی ارزیابی می‌کند که این اتفاق رخ نداده است. حالا او گفته است که هدف، بازگشایی تنگه هرمز است؛ در حالی که، جهت یادآوری، باید بگوییم این تنگه پیش از شروع جنگ باز بود.» جنگی که قرار بود ظرف چند هفته به یک پیروزی سریع برای کاخ سفید تبدیل شود، اکنون به بحرانی فرسایشی برای دولت ترامپ بدل شده است. افزایش قیمت انرژی، فشار اقتصادی بر طبقه متوسط آمریکا و ناتوانی واشنگتن در تحقق اهداف اعلامی، شکاف‌های سیاسی در داخل آمریکا را عمیق‌تر کرده است. اظهارات سناتور آمریکایی، تنها بخشی از موج انتقادهایی است که علیه سیاست‌های متناقض ترامپ شکل گرفته است. منتقدان می‌گویند رئیس جمهور آمریکا هر بار هدف جدیدی برای جنگ تعریف می‌کند تا شکست در اهداف قبلی پنهان شود.